

علیه فقر، علیه حکومت چپاول - کاظم نیکخواه

صفحه ۲



گزارشی از شرایط کار خواستها و مبارزات کارگران ارکان ثالث

منصور کارگر ارکان ثالث در نفت، صفحه ۳

اعتصاب کارگران نفت و گاز و سند محرمانه حکومت

شهلا دانشفر، صفحه ۸

بیانیه مشترک ۱۴ نهاد مدافع حقوق کودک به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودکان

صفحه ۶

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، اعتراضات معلولان و بحران بی آبی در تهران و کرج

صفحه ۹

تحصن دانشجویان دانشگاه هنر، افزایش فشارها به خانواده کیان پیر فلک و اخباری دیگر

صفحه ۱۰

اعتصاب عمومی در سقز و راسته بازار اردبیل و گزارش تکمیلی تجمعات روز گذشته بازنشستگان

مخابرات صفحه ۱۱

همبستگی شماری از اتحادیه های کارگری با زندانیان سیاسی در ایران

در ادامه حمایت اتحادیه ها، مدیر کل سندیکای خدمات عمومی سوئیس نیز از روز جهانی حمایت از

زندانیان سیاسی حمایت کرد، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۳

تشدید سرکوبگریهای حکومت و مقابله مردم

سی خرداد روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی در ایران، صفحه ۱۴

اعتراف به شکست در برابر گستردگی اعتصاب ما

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۹

فراخوان تجمع کارگران ارکان ثالث نفت توسط عوامل معلوم الحال و ...

شورای سازماندهی کارگران ارکان ثالث، صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۸۴

۲۹ خرداد ۱۴۰۲

۱۹ ژوئن ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

۳۰ خرداد ۶۰ کار تمام

نشد

یاشار سهندی، صفحه ۷

سند محرمانه و

هشدار معلمان به حاکمیت

شهلا دانشفر، صفحه ۱۱

در ماندگی مزدوران مستهلك

سرمایه

یاشار سهندی، صفحه ۵

تظاهرات بزرگ مردم در

زاهدان

وقت اتحاد، وقت انقلاب،

صفحه ۹

تجمعات بازنشستگان

مخابرات در چندین شهر

صفحه ۱۲

علیه فقر، علیه حکومت چپاول - کاظم نیکخواه



سرکوب میشوند. کارگران نفت و فولاد و هفت تپه مورد حمله قرار میگیرند. اینکه امروز مجلسی ها و خانه کارگریهای منفور حکومتی به فقر ۳۰ میلیونی اعتراف میکنند دلایلش اینست که زندان و سرکوب دیگر جواب نمیدهد. اعتراض از سرتاسر جامعه میجوشد. با توجه به این شرایط اینها دارند به غیرقابل تحمل بودن اوضاع اعتراف میکنند، تا شاید بتوندند خود را به جنبش اعتراضی وصل کنند و آنرا به انحراف و یا به شکست بکشانند. به خط فقر اعتراف میکنند تا مانع ادامه انقلاب شوند. اما کار از این حرفها هم گذشته است. یک اقتصاد داغان، با هزاران باند دزدی و اختلاس و مافیائی، و جامعه ای که با هیچ فشار و سرکوبی دیگر کوتاه نمی آید. تنها راهی که برای خانه کارگریها و کل حکومتیان باقی مانده این است که گورشان را گم کنند و مردم را راحت بگذارند.

با برافراشتن پرچم دفاع از یک زندگی انسانی و یک جامعه مرفه و انسانی، میتوانیم متحد و یکپارچه در سراسر کشور به میدان بیاییم و به حکومت چپاولگران حاکم و فقر کشنده پایان دهیم. این تنها راه است. انقلاب زن زندگی آزادی در واقع یک پایه مهمش پایان دادن به فقر و چپاول و تبعیضات اجتماعی است. یک شعار مهم اعتراضات بازنشستگان و کارگران و معلمان اینست: منزلت معیشت حق مسلم ماست. «معیشت» (علاوه بر غذا و معاش یعنی رفاه، یعنی مسکن مناسب، یعنی زندگی بدون محرومیت، یعنی زندگی مرفه برای همه. و منزلت یعنی داشتن آرامش و احترام و آزادی. تردیدی نباید داشت که با اتحاد و عزم سراسری مان میتوانیم خیلی زود اینها را از آرزو به واقعیت تبدیل کنیم. نابود باد حکومت چپاولگران اسلامی.

زحمتکش میشود. یعنی بخش وسیعی از آنها که در این جامعه ثروتها را با عرق جبین تولید میکنند و جامعه را ارتزاق میکنند، یا مثل معلمان و کارکنان زحمتکش به جامعه سرویس و خدمات میدهند، خود از غذا و پوشاک و مسکن و تفریح و رفاه محرومند. و دزدان و اختلاسگران در ثروتهای نجومی غلت میزنند و در گوشه کنار دنیا ویلاها و کاخهایشان را برپا میدارند.

خبرگزاری حکومتی ایلنا نوشته است که اگر فرض بگیریم در یک خانواده‌ی کارگری دو نفر شاغل باشند، یکی کارگر ساده و حداقل‌بگیر و دیگری کارگر متوسط بگیر یا معلم رسمی که ۱۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، بازم مجموع دریافتی این دو نفر، ۲۱ میلیون تومان می‌شود که هنوز ۹ میلیون تومان کمتر از «خط فقر» (در تهران است. شرم بر همین خانه کارگریها و ایلنائی‌ها که همین را میدانند و میگویند، اما شغلشان را این تعریف کرده اند که به کمک نیروهای انتظامی و سرکوب، صدای اعتراض کارگران و معلمان را خفه کنند.

مدتهاست که فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان از ابعاد کشنده فقر بلند است. ابعاد فاجعه از آنچه اینها اعتراف میکنند بسیار بیشتر است. شمار زیادی از معلمان همین روزها به دلیل اعتراض به این وضعیت دستگیر و زندانی شده اند. تشکلهای مستقل

فقر در ایران تحت حکومت اسلامی بیداد میکند. کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه مردم فریادشان بلند است و به فشار خردکننده فقر و اختلاسها و دزدیها و تبعیضات و چپاولگریها اعتراض دارند و مدام دارند تجمع و تظاهرات و مبارزه میکنند. اکنون از درون حکومت نیز صداهایی شنیده میشود که از خط فقر ۳۰ میلیونی و اینکه در یک خانواده که سه نفر کارکن و شاغل دارد با حقوق حداقل حتی سه نفره نمیتوند خود را به خط فقر برسانند، سخن میگویند. این هفته یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی اعلام کرد که خط فقر در تهران ۳۰ میلیون تومان است. مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی بعلاوه اعلام کرده است که نرخ خط فقر طی یک دهه اخیر از ۱۹ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است و نزدیک به ۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر به سر می‌برند. بدتر از این بنا به اعتراف خود حکومتی‌ها، امروز جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در فقر مطلق بسر میبرند و از تامین ساده‌ترین نیازهای زندگی یعنی غذا و سرپناه و پوشاک و امثال اینها ناتوانند و نمی‌توانند کالری مورد نیاز برای زندگی روزانه را به دست آورند.

روشن است که در تمام جوامع مزخرف و غیرعادلانه سرمایه داری فقر کشنده نصیب کارگران و مردم

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



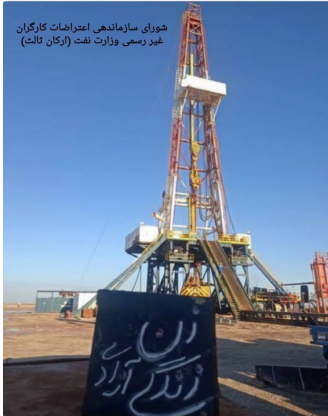
newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران
غیر رسمی وزارت نفت (ارکان ثالث)

تعداد مشخص شده کارگران مستمر پروژه ای (ارکان ثالث) در خود سامانه وزارت نفت بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ است که در کنار آنها و موازی با کارشان، دیگر کارگران پیمانکاری مانند نیروهای ایمنی، راننده ها و اداری و تدارکات و پشتیبانی در یک سازمان و تحت بیمه و قوانین کار و امور اجتماعی با قرارداد تعریف شده به کار گرفته شده و قرارداد میندند. بنابراین از لحاظ سازمانی و تحت این قرارداد میتوان به تعداد

کارگران ارکان ثالث این نیروها را هم افزود و مورد نظر داشت که متاسفانه آمار مشخصی ندارند اما شخصاً با تخمین حضور این کارگران در برابر نیروهای چارتی فکر میکنم احتمالاً در مجموع ۲۰ هزار نفر کارگر پیمانکاری در پروژه های بهره برداری وجود دارد.

با این مقدمه به نقش کارگران ارکان ثالث در تولید در صنعت کلیدی وزارت نفت می پردازم.

کارگران ارکان ثالث، کارگران چارتی و متصدی انجام تعمیرات و نگهداری در تاسیسات مختلف نفت، گاز، پتروشیمی و سایر حوزه ها و همچنین در فرآیند بهره برداری و تولید مستقیماً با تاسیسات تولیدی در تماس هستند و بواسطه خاص بودن کار و تخصصشان جایگزین فوری و آنی ندارند.

یعنی ادامه فرآیند تولید، تعمیر و نگهداری (آمادگی مداوم تاسیسات برای تولید هرچه بیشتر) بستگی مستقیم به حضور و عملکرد این کارگران دارد و طبیعتاً نبودشان برابر است با اخلاص در فرآیند آن!

مشکلات کاری و معیشتی کارگران ارکان ثالث؛

کارگران ارکان ثالث دارای تخصص و بعضاً تحصیلات قابل ملاحظه ای هستند و با سوابق طولانی مشغول بکارند. اما علیرغم همه اینها بسیار تحت تبعیض اند و در شرایط حقیقتاً برده واری مشغول بکارند.

کارگران ارکان ثالث بواسطه قوانین کار و امور اجتماعی مشمول مزایای مزدی تعیین شده بر اساس مصوبات شورای عالی کار در وزارت نفت مشغول به کارند. حال آنکه همکاران رسمی آنها تحت استخدام و قرارداد مستقیم با وزارت نفت از شرایط مزدی، پاداشهای بهره وری اضافه تولید بسیار متفاوت، مزایای حقوقی بالاتر و شرایط رفاهی کاری بمراتب بهتری برخوردارند که کارگران ارکان ثالث از آنها محرومند. از جمله این امکانات رفاهی عبارتند از: اتاق استراحت و غذا، دسر، میوه، آب آشامیدنی مناسب و کافی، حمام، سرویس های بهداشتی، کلینیک های درمانی در محیط کار، سرویس های تردد در محیط کار و انتقال به خوابگاه، تعیین اضافه مزد بابت اتلاف وقت در طی مسافت بین محیط کار و خوابگاه یا محیط کار تا محل زندگی، بلیط هواپیما در روز مشخص و زمان مشخص، بهره مندی از لباس کار و فرم مناسب، خوابگاههای بهداشتی همراه با لندری و سرویس های بهداشتی و سلف سرویس غذاخوری و باشگاه ورزشی و...

اینها همه امکانات ویژه ای است که وزارت نفت در اختیار نیروهای تحت قرارداد خود میگذارد. اما کارگران ارکان ثالث تحت قرارداد پیمانکار، بواسطه سودی که میبایست پیمانکار از پیمان خود برد یا حداقل ها را بهره میگیرد یا آنکه اصلاً بهره نمیرد. مفاد مزد و مزایای حقوقی را نیز کارفرما در قبال این کارگران در پیمان نامه آغاز کار مطابق با قوانین و مصوبات مزدی دولت و قوانین کار و امور اجتماعی در نظر

گزارشی از شرایط کار خواستها و مبارزات کارگران ارکان ثالث

منصور کارگر ارکان ثالث در نفت

کارگران در صنعت نفت با اشکال مختلفی از قرارداد و بصورت رسمی و غیررسمی و پروژه ای و غیره به کار اشتغال دارند و این سیاست باعث شدن هر بخش از آنها با کارفرمایی طرف باشد و در این میان بین وزارت نفت و ادارات کا و پیمانکاران مفتخور پاسکاری شده و مورد بیشترین استعمار قرار گیرند. من به عنوان یک کارگر ارکان ثالث در این نوشته تلاش میکنم تصویری از شرایط کار برده وار این بخش از کارگران بدهم. اولین سوال طبعاً اینست که کارگران ارکان ثالث چه بخشی از کارگران شاغل در صنعت نفت هستند. چه تعداد از کارگران با این شکل از قرار داد کار میکنند و عمدتاً در چه مناطقی از مراکز نفتی فعالیت دارند؟

کارگران ارکان ثالث، همانگونه که از عنوانش مشخص است از لحاظ گزینش و به کارگیری در حوزه وزارت نفت سومین رکن کارکنان هستند و بدون قرارداد با وزارت نفت با قراردادهایی معین و مستقیم با پیمانکاران در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی به کار اشتغال دارند. به عبارت روشنتر ارکان اول نیروهای رسمی و در استخدام مستقیم وزارت نفت قرار دارند. ارکان ثانی کارکنان قرار موقت و مدت معین هستند که بلافاصله پس از گزینش در آزمونهای استخدامی به قرارداد مستقیم با وزارت نفت در میآیند و پس از یک دوره موقت با آموزش های ضمن خدمت به استخدام رسمی وزارت در میآیند که البته خیلی هایشان به ایم مرحله نمیرسند و از کار بیکار میشوند و بالاخره ما کارگران ارکان ثالث هستیم که تحت پوشش قانون کار و بدون قرارداد با وزارت نفت در مراکز نفتی شاغل هستیم. کارگران ارکان ثالثی یا پیمانکاری صنعت نفت تحت قرارداد پیمانکار دو حالت از کار را انجام میدهند "من پوری" یا "نفر، ساعت، کار" مانند کارگران تعمیرات که طبق ساعت مشخص روزانه بر سرکار حاضر شده و آیتماهای کاری را انجام میدهند و سر ساعت هم محل کار را ترک میکنند و کارگران "حجمی" که میبایست حجم مشخصی از کار که حداقل آن را پیمانکار مشخص میکند متقبل شوند و در ازای آن مزد دریافت کنند. مانند کارهای رنگ آمیزی صنعتی و داربست بندی. کارگران پیمانی پروژه ای هم که قرارداد موقت هستند و فقط زیر نظر قرارداد پیمانکار کار میکنند. بدینگونه تکه تکه شدن صنعت نفت و تقسیم آن به بخشهای مختلف همراه با کنترل امنیتی شدید، سیاستی در جهت شکستن صف مبارزه کارگران این بخش کلیدی اقتصادی کشور از سوی حکومت در طول ۴۴ سال حاکمیتش بوده است.

کارگران ارکان ثالث در مناطق مختلف عملیاتی در واحدهایی از وزارت نفت بصورت مستمر بکارگرفته میشوند که در حال بهره برداری و تولید هستند. مانند: پالایشگاه های نفت و گاز، پتروشیمی ها، اسکله ها و پایانه های صادرات و واردات نفت و گاز و...

این کارگران از بابت تخصص شغلی خاص حوزه کاری و دخالت مستقیمشان در تعمیر و نگهداری تاسیسات نفت، گاز و پتروشیمی و... در بخشهای تولید و بهره برداری نقش مهمی دارند و هرچند در استخدام مستقیم وزارت نفت نیستند، اما از بابت شرایط تخصصی شان به آنها نیروهای مستمر یا چارتی هم اطلاق میشود که تحت قرارداد پیمانکاری هستند و مسؤلیت اجرای پروژه ها را دارند و در پروژه های مختلف کشور، هرجا بهره برداری و تولید در جریان است حضور دارند. بدین ترتیب کارگران ارکان ثالث از پالایشگاه گاز خانگیان در خراسان شمالی تا مجتمع گاز پارس جنوبی و حوزه های نفتی خوزستان تا پایانه های صادرات جزایر خارک و لاوان یا پتروشیمی های عسلویه، کنگان، ماهشهر، آبادان، اراک، تهران، اصفهان، شیراز و سرتاسر مشغول به کار هستند.

گزارشی از شرایط کار ...

از صفحه ۳

میگیرد. به لحاظ شرایط رفاهی حداقل هایی برای اجرای آنها از سوی پیمانکار در نظر گرفته شده و وزارت نفت خود را از هرگونه مسؤلیتی در قبال این کارگران مبرا مینماید.

بدین ترتیب یک کارگر ارکان ثالثی که با همکار رسمی یا پیمانی خود در یک محیط کار با یک پروژه مشارکت دارد با اختلاف حقوقی بسیار فاحش و غیر قابل تصور و در بدترین شرایط بکار گرفته شده و به طرز وحشیانه‌ای استثمار میشود. آلودگی های زیست محیطی و محیط نا امن کار و خطرات ضمن کار که البته همه کارگران رسمی و غیر رسمی را تهدید میکند موضوع مشترک اعتراض همه کارگران در نفت است.

در چنین شرایط اسفناک کاری و پر از مخاطره و روا داشتن تبعیضی آشکار حداکثر دریافتی متخصص ترین کارگر ارکان ثالث با بالاترین سِمَت تعریف شده در موقعیت خاص پارس جنوبی که حقوق و مزایای مزدی ویژه آب و هوایی و شرایط کار سخت و زیان آور دارد، نهایتاً به ۲۵ میلیون تومان یعنی ۵ میلیون تومان زیر خط فقر تعیین شده توسط شورای عالی کار میرسد. و در قبال این شرایط سخت کاری نه تنها قوانین کار و امور اجتماعی حامی این کارگران نیست، بلکه بدلیل تعاریف حداقلی برای این کارگران، آنها در پروژه های نفت و گاز حقیقتاً به بردگی کشیده شده و با نرخ ارزانی تقدیم به کارفرمایان فرصت طلب و پیمانکاران مفتخور میشوند. زد و بندها و اختلاسگری ها و چپاولگریها نیز مزید بر علت است.

شرایط کار کارگران ارکان ثالث سخت و جانکاه است. طبق قانون کار هرچند مشمول قانون بازنشستگی شرایط سخت و زیان آور هستند، اما مزایای ویژه کار سخت و زیان آور را ضمن کار دریافت نمیکند و با وجود شانه خالی کردن پیمانکاران از پرداخت چهار درصد اضافه سهم بیمه ای که میبایست بابت هر کارگر بابت شرایط کار سخت و زیان آور به بیمه پرداخت کند، هنگام بازنشستگی کارگر را دچار مشکل و طبق قوانین برده داری مزدی کار و امور اجتماعی، کارگر تنها با پرداخت این چهار درصد از جیب خود می تواند از مزیت بازنشستگی سروقت استفاده نماید!

قانونی عملاً در خدمت منافع پیمانکاران و آخرین ضربه ای که طبقه کارگر پیش از بازنشستگی از سرمایه دار دریافت میکند...!

خلاصه کلام اینکه کار پر خطر، تماس مستمر با هوای آلوده، تاسیسات فرسوده و دارای نشتی گاز و مشتقات نفتی بسیار خطرناک از قبیل H2S و... عدم امکانات ایمنی متناسب با آن، عدم دسترسی به امکانات اولیه بهداشتی، کلینیکهای و بیمارستان نا مناسب و دور از محیط کار و مشکلات معیشتی بسیار معضلات هر روزه این کارگران است. سطح حقوقها همانطور که اشاره کردم نازل است و پرداخت های حقوقی نا منظم و با تاخیر، اجرای با تاخیر تغییرات حقوقی و مزایا و مصوبات و تاخیر در دریافت ها و... از دیگر مشکلات این کارگران است.

نگاهی به مبارزات کارگران ارکان ثالث

بجز تجربه سرکوب شده سوم دیماه ۱۴۰۱ توسط تعداد زیادی از نیروهای امنیتی و لباس شخصی، که با همکاری دوستان در شورای سازماندهی کارگران پیمانی فراخوانی ترتیب دادیم، متأسفانه اعتراضات کارگران ارکان ثالث در تمامی سالها بواسطه حساسیت شغلی شان تحت تدابیر شدید حراست حوزه های نفت و گاز و دستگاههای امنیتی

سرکوب شده و این خود به درجه ای کارگران را محتاط کرده است. اما در دو سه سال اخیر تحرکات اعتراضی در میان کارگران ارکان ثالث و کلا در نفت بیشتر شده است.

اعتراضات کارگران ارکان ثالث مشخصاً به شرایط برده وار و تبعیض آمیزی است که با وجود تخصص و سنوات خدمتی در حوزه های نفت و گاز به آنها وارد میشود. پاسکاری این کارگران بین قانون کار و وزارت نفت و تحمیل بیشترین تبعیض و استثمار در قبال آنها این کارگران را در موقعیت سخت و دشواری به لحاظ کاری و معیشتی قرار داده است. سطح نازل حقوقها، قراردادهای موقت کاری، استثمار و وحشیانه پیمانکاران از کارگران، شرایط زیست محیطی و کاری بسیار ناسالم و نا امن و خطرناک، تعویق پرداخت دستمزدها و بالا کشیدن حق و حقوق کارگران به بهانه های مختلف از جمله موضوعات اعتراضات چند ساله ما بوده است. فضای پادگانی نفت، دخالت جانبدارانه حراست به نفع پیمانکاران و برخورد شدید با هر تجمع و تلاشی برای متشکل شدن یک معضل جدی همه کارگران شاغل در صنعت نفت است. در این میان دار و دسته های معلوم الحالی تحت عنوان تشکلهای صنفی کارگران تلاش میکنند مبارزات ما را بدنبال این جناح و آن جناح بکشانند. در میان کارگران تفرقه ایجاد کنند. همچنین با کشاندن اعتراض به نامه نگاری با دارو دسته های حکومتی و نشست های مخفیانه پشت درهای بسته اعتراضات ما را به بیراهه و فرسودگی بکشانند. برای مثال طرح حذف پیمانکاران پس از کش و قوس های فراوان علیرغم تبلیغات انتخاباتی ابراهیم رئیسی و نمایندگان مجلس، مورد مخالفت قرار گرفته است. حال کش و قوس بر سر آن تبدیل به مانور های تبلیغاتی نمایندگان کاندید دوره آتی مجلس شده است. با این تبلیغات ابلهانه تلاش میکنند برای خود رای و کرسی بخرند. دارو دسته های مزدور آنها نیز تحت عنوان نماینده کارگران ارکان ثالث به بلندگوی تبلیغاتی این جریانات حکومتی تبدیل شده و در عین حال پشت درهای بسته در تعامل و رایزنی های خود هستند. به عبارت روشنتر این دار و دسته ها همان نگاهی که توسط ستاد اداری وزارت نفت در پیمان نامه ها اعمال و شرایط استثمار کارگران را رقم زده را دنبال میکنند و همچون ترمزی در مقابل ما کارگران عمل کرده و میکوشند وضع موجود حفظ و دست نخورده باقی بماند.

از بابت بی کفایتی و ناکارآمدی همین عوامل دست ساخته نهادهای امنیتی و حراست حوزه های نفت، هر جا که اعتراضی میکنیم ما را به آنها ارجاع میدهند و سرکوبمان میکنند. این عوامل بیشتر از آن که دردی از دردهای طبقه کارگر بکاهند تبدیل شده اند به چوب بالای سر او...!

مهمتر اینکه امنیتی بودن محیط های کار و مقابله با هر اعتراضی معضل ما کارگران نفت طی سالیان دراز بوده است. اما اعتصابات چند ساله اخیر بدرجه این فضا را عقب زده است. یک تلاش ما کارگران ارکان ثالث و شاید بهتر باشد بگویم در کل مراکز نفتی در سالهای اخیر بیرون کشیدن خودمان از زیر چنگ دارو دسته های سازشکار و وابسته به حکومت و ایجاد تشکل مستقل خود بوده است. سر بلند کردن نهادهایی چون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و یا شورای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث نمونه هایی از این تلاش هاست و ما کوشش میکنیم با حفظ این دستاوردها صف اتحاد سراسری کارگران نفت را شکل دهیم. برچیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات سه خواست کلیدی ماست. اتحاد حول این خواستها و جلوگیری پلنفرمی از مطالبات معیشتی و کاری یک گام مهم برای پیشروی مبارزاتمان است. و این قدم باید سراسری درکل مراکز نفت برداشته شود.



کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

درماندگی مزدوران مستهلک سرمایه

یاشار سهندی

نوشته: آمار شما واقعی نیست، تازه ما کلی کارهای "به جامانده" از دولت قبلی را انجام دادیم. حال شاید یک کوپن الکترونیکی هم در نظر گرفتیم، تا ببینیم خدا چی می خواهد!

آن سه تن هر کدام یک چیزی گفته تا شاید کارگران باور کنند به فکر زندگی کارگران هستند. حسن صادقی، متخصص در بریدن زبان کارگر با چاقو ضامن دار، جناب وزیر را اینگونه ترسانده: "تورم به حد نگران‌کننده‌ای رسیده و مردم را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است که به دلیل بی‌کفایتی دولت و بودجه نویسی غلط سازمان برنامه و بودجه و همچنین سیاست‌های منفعت طلبانه بعضی از کارفرمایان است و به همین دلیل کارگران دلیلی بر کوتاه آمدن از حقوق مسلم خود نمی‌بینند. آنها که با زبان منطق غریبه‌اند، بدانند کارگران به وقتش نشان خواهند داد که زبانشان همیشه خوش و نرم نیست."

خب البته وزیر در جواب ایشان در ملاعام چیزی نگفته اما آنجا که خودشان با خدایشان تنها هستند (در جلسات شورای عالی سرمایه) حتما به ایشان تذکر خواهند داد: "خبر مرگتان پس شما چه غلطی میکنید!"; این تنها وزیر نیست که اینگونه فکر میکند. کیهان لندن هم از این جنابان چاقو به جیب، انتظاراتی دارد.

در متن گزارش کار شده در کیهان لندن، این مزدوران سرمایه به عنوان "فعال کارگری" شناسانده میشوند. در عالم اوهاام کیهان لندن، نوبت بعدی مجدداً به پادشاهی خواهد رسید و اینبار "پادشاهی خواهان" تجربه چهار دهه سرکوب حکومت اسلامی جلو چشم شان است و برای همین حواس اش است که از تجربیات ایشان در فردا روزی اگر به قدرت برگردند استفاده کافی را ببرند. همانگونه که سپاه نباید تروریست خطاب شود، مزدوران سرمایه در جنبش کارگری هم نباید رنجیده خاطر شوند، از الان ایشان "فعال کارگری" هستند و میتوانند خدمات شایسته خود به سرمایه را "در سایه توجهات عالی ملوکانه" ادامه دهند. توجه خواننده را به این جلب میکنم که همین چندی پیش یکی از همکاران کیهان لندن، خانم الاهی بقراط در مخالفت با منشور بیست و سه شکل به صراحت نوشتند: نه خیر اصلاً از این خبرها نیست که کارگر به رفاه برسد، هر چیزی حدی دارد! راست می‌گوید اگر کارگر تامین باشد، پس کی کار کند! اگر کارگر ارزان و خاموش نباشد چطور به سرمایه گذار خارجی اطمینان دهند که مردمان ایران، مردمان با کیفیتی هستند (نقل به معنی از پرویز خاوند، استاد اقتصاد ساکن پاریس)، اگر کارگر بخواهد شورا داشته باشد، پس چگونه استعمار سامان یابد (نقل به معنی از همه اساتید اقتصاد) و اگر کارگر بخواهد احساس کند انسان است و حق دارد در رفاه باشد و زندگی خوشی داشته باشد، احساس رقابت ذاتی انسان چی میشود (نقل به معنی از همه کارشناسان در خدمت سرمایه)؛ هر چیزی تو این دنیا حساب و کتاب دارد، از جمله استعمار.

طوفانی پیش روست و این را مزدوران سرمایه بخوبی حس میکنند، این را ما

"من کار دارم و آدم شما نیستم!" این را یک آقای بسیار نامحترم به اسم بیات، در جواب به جمعی از بازنشستگان معترض ساکن تهران، که در مقابل وزارت کار جمع شدند تا پیگیر چرابی عدم تغییر اساسنامه کانون بازنشستگان شوند بر زبان جاری ساخت. طبق خبر مندرج در کانال تلگرامی "شورای بازنشستگان ایران" یکی از این جمعیت بازنشستگان معترض برگشته در جواب ایشان گفته: "تو نماینده ما هستی و کار تو نیز مربوط به ماست، از سر زدن به کارخانه هایت دست بردار و به کار بازنشسته ها برس." در ابتدای همین خبر میخوانیم جمع بازنشستگان معترض "با آقای دهقان کیا رییس کانون بازنشستگان تهران روبرو شدند و از ایشان دلیل کم کاری و سستی و از جمله اینکه: "چرا هیات مدیره شماره تلفن های فعالین بازنشستگی را به پلیس امنیت داده و این چه برخورد کثیفی است که با بازنشستگان مطالبه گر می‌کنند." ایشان اظهار بی اطلاعی کرد. اما بازنشستگان گفتند که: "آقای مجیدی همکار شما در این کار دخیل هستند در ضمن چرا از اجرای نشست های عمومی کانون خودداری می‌کنید؟ برای برنامه هفتم توسعه چه کرده اید؟ دارند آش را با جاش می‌برند و شما نشسته اید." در پاسخ این جناب یک کیف پر از نامه نشان دادند و منت گذاشتند که پیگیر کارها هستند و ضمناً تاکید فرمودند من مخالف اعتراض خیابانی هستم! یکی از بازنشستگان هم گفت: "اگر ما نبودیم سال گذشته 38 درصد افزایش حقوق ها مالیده بود."

در خبر دیگری در همین کانال یک بازنشسته در جواب به حسن صادقی چاقو کش، که بار دیگر لازم دیده از آبروی نداشته خود مایه بگذارد تا فشاری را از سر جمهوری اسلامی بکاهد؛ نوشته است: "جالب است که امثال صادقی و خدایی میدانند که چه خبر است. از خودشان هستند. رفیق دزدند و شریک قافله، همیشه در مقابل تجمعات اعتراضی کارگران و بازنشستگان بوده و آنها را به نامه‌نگاری و متینگهای نمایشی دلخوش کرده اند و حالا هم حرفی میزنند که از غافله عقب نمانند و مقابل تجمعات پیگیرانه بازنشستگان خودی نشان دهند که "ما هم هستیم!!!" ما میدانیم که شما هستید ولی در مقابل ما ونه در کنار ما. سنگ راه ما نشوید."

این اخبار به خوبی انعکاس دهنده روحیه اعتراضی کارگران و بازنشستگان است و نیز از سوی دیگر نشانه موقعیت پلشت و ننگین و درماندگی مزدوران رژیم اسلامی سرمایه است که با نام کارگر و بازنشسته به سرکوب کارگران و بازنشستگان مشغولند. ایشان اگر کلت به کمرشان نباشد بی شک ته جیب شان چاقوی ضامن دار و پنجه بکس پیدا میشود، که به وقتش آنرا بیرون می‌آورند. تو این زمینه حسن صادقی شهره عام و خاص است.

در چند روز گذشته حسن صادقی و حسن حبیبی و علی خدایی "نمایندگان طیف کارگری شورای عالی کار" (این عنوانی است که کیهان لندن با آن از ایشان یاد می‌کنند. به کیهان لندن برمی‌گردیم!) دوباره به تکاپو افتادند که نقش سنگ راه کارگران را بازی کنند. این جماعت نامه به وزیر کار (بخوانید وزیر بهره کشی) نوشتند که جناب وزیر الوعده وفا! گویا "در مقطع امضای صورتجلسه دستمزد ۱۴۰۲" وزیر وعده دادند اگر تورم مهار نشد در دستمزد تجدید نظر میشود. نه این است که چاقو بدستان سرمایه مردمانی ساده و بی شلیله و پیله ای هستند، برای همین به وزیر بهره کشان اعتماد کردند و گر نه محال بود صورت جلسه را امضا کنند! بهر حال ایشان در این نامه از وزیر خواستند "لطفاً به وعده تان عمل کنید چون تورم که پایین نیامده بالا هم رفته است. جناب وزیر ایشان را کمتر از این دیدند که جواب بدهند. برای همین یکی از مقامات وزارت خانه سازماندهی بهره کشی از کارگران، در جواب به ایشان





بیانیه مشترک ۱۴ نهاد مدافع حقوق کودک به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودکان

روز گذشته ۱۲ ژوئن برابر با ۲۲ خرداد روز جهانی مبارزه با کار کودکان بود به این مناسبت چهارده نهاد مدافع حقوق کودک طی بیانیه ای مشترک این روز را گرامی داشتند. رعایت مقابله نامه های بین المللی و لغو کار کودکان، بیمه همگانی و تحصیل رایگان برای همه کودکان از جمله تاکیدات مهم این بیانیه است. در بخشی از این بیانیه ضمن اشاره به گسترش فقر و گرانی و بی تامینی و بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی کودکان و افزایش شمار کودکان کار و شرایط خطرناک معیشتی آنها چنین آمده است: "بخش عمده ای مطالبات این دوره بر سر تامین معیشت در شان انسان امروزی، پایین کشیدن خط فقر از طریق بالا بردن حداقل دریافتی به بالای خط فقر، مقابله با بی حقوقی و تعرض به حیات و حقوق شهروندی به ویژه وضعیت کودکان است. این مسائل فعالان عرصه حقوق کودک را به خود مشغول داشته و از حد نگرانی صرف گذشته و کماکان باقی است.

برای «ما» فعالان حقوق و مطالبات کودکان، مشکلات تنها در حد مصائب و مشکلات اقتصادی، محیطی و آموزشی، نیست. به رسمیت شناختن فعالیت سازمانها از طریق صدور و تجدید مجوز فعالیت از حداقل خواسته های ماست. چرا که حقوق تلاشگران و فعالان حمایت از اقشار ضعیف و محروم، در سراسر جهان به رسمیت شناخته می شود و اگر حمایتی هم صورت نگیرد، کمتر دیده شده که ممانعت به عمل آید.

کودکان قادر به دفاع از حقوق خود نیستند و این وظیفه جامعه است تا از آنان حمایت کند. ایجاد موانع برای فعالان اجتماعی که به دفاع از حقوق کودکان برخاسته اند، نمی تواند صورت مساله (کار کودک) را پاک کند. در بخش پایانی این بیانیه بر خواسته هایی فوری تاکید شده و چنین آمده است: "ما سازمان های فعال در حوزه حقوق و مطالبات کودکان؛ موارد ذکر شده در فوق را از عوامل تعدد و تشدید کار و بهره کشی از کودکان دانسته و خواسته های زیر را به فوریت خواستار و مخالفت و مغایرت با این مطالبات را سیاست ضد کودک و حقوق انسانی و شهروندی تلقی می کنیم:

- به رسمیت شناختن و عمل به حداقل حقوق کودکان بر مبنای مفاد تصریح شده در پیمان نامه جهانی حقوق کودکان و دیگر معاهدات و مقابله نامه های بین المللی - تامین فوری مالی کودکان تحت عنوان "بیمه کودکی"، حمایت از خانواده ها تحت عنوان "بیمه همگانی" تامین اجتماعی و درمانی (با پوشش مکفی و واقعی نیازهای درمانی) و زیر پوشش قرار گرفتن کودکان، آموزش رایگان و همگانی تحت نظر

کارشناسان و سازمان های مردمی.
- تغییر قوانین و مضامین آموزشی، حذف آموزش تبعیض آمیز (از عوامل اساسی خروج کودکان از مدارس اند)، رایگان و اجباری کردن آموزش زیر نظر کارشناسان و سازمان های مردمی
- توجه به هویت قانونی و صدور شناسنامه برای تمامی کودکان.
- افزایش حقوق و مزایای مزدبگیران به منزله گام نخست حذف فاصله نجومی طبقاتی و حمایت از خانواده های کودکان.

- به رسمیت شناختن و پذیرش عملی حقوق اجتماعی و شهروندی سازمانها و فعالان حوزه های اجتماعی از جمله حوزه کودکان.

جنبش های اجتماعی در بستر تاریخی و اجتماعی شکل می گیرند و با یکدیگر پیوندهای ناگسستگی دارند. به رسمیت شناختن این پیوند اندامواره (ارگانیک) از پایه های فعالیت اجتماعی است."

امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: ۱- انجمن پژوهش های آموزشی پویا، ۲- انجمن یاری کودکان در معرض خطر، ۳- درخت کوچک زندگی، ۴- موسسه پیشگیری از اعتیاد و آسیب های اجتماعی انسان دشواری وظیفه، ۵- موسسه رویش نهال جوان، ۶- موسسه یاریگران کودکان کار پویا، ۷- جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، ۸- گروه تلاشگران یاری همدل ۹- انجمن کنشگران اجتماعی فرزانه (زاهدان)، ۱۰- قشم، جزیره ای برای کودکان، ۱۱- موسسه نوید زندگی کوشا، ۱۲- گروه فرهنگی اجتماعی کیانا، ۱۳- تاک سرزمین من ۱۴- انجمن فرهنگی، پژوهشی پرند درخت کوچک

حزب کمونیست کارگری ایران بر لغو کار کودکان و حق برخورداری همه کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق و تضمین رفاه و سعادت کودکان مستقل از وضعیت خانوادگی از سوی جامعه تاکید دارد. دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان مطابق بالاترین استانداردهای بین المللی را برای کودکان تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۳ خرداد ۱۴۰۲، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

درماندگی مزدوران ...

از صفحه ۵

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

فهمیده اند که "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"؛ خط قرمز کارگران خط رفاه است که این خط را هم خود کارگران تعیین می کنند، و به کمتر از منزلت انسانی راضی نمی شوند. مزدوران مستهلک سرمایه، فرسوده تر از آنند که بتوانند در مقابل قدرت جنبش کارگری ایران بایستند. جنبشی که با مبارزات بی وقفه خود یکی از دلایل بسیار مهم شکل گیری انقلاب شریف و انسانی زن زندگی آزادی بوده است.

همیشه تاکید داشتیم. اما قرار نیست این طوفان تنها به این منجر شود که شکل حکومت سرمایه در ایران تغییر یابد. در این چهل سال تشدید استثمار و فقر تا بی نهایت، کارگران تجربه های زیادی در مبارزه و اعتراض شان علیه سرمایه داری آموختند. اگر ایشان باور ندارند. اندکی صبر! چیزی نمانده که همه نمایندگان سرمایه این نکته را بفهمند. باید اذعان کرد این را هم فهمیده اند برای همین به گرگهای باران دیده ای چون صادقی و حبیبی و خدایی نیازمندند.

روحیه مبارزه جویی کارگران و بازنشستگان تنها یک روحیه عصیان زدگی نیست، جنبش کارگری ایران به آن سطح از خود آگاهی رسیده است که در مقابل هر شکل از حکومت سرمایه بایستند. کارگران و بازنشستگان در ایران به تجربه بس سخت و گران،



کار تمام نشد. هر چند داغ داران در آن سالها خود را تنها یافتند، اما مبارزه ادامه یافت. کشتار تابستان ۶۷ قرار بود رفع بلا از سر حکومت الله بر زمین باشد، اما جنبش دادخواهی از خاورانها سر برکشید. پیکر زیباترین فرزندان آفتاب و باد را شبانه و بی نام و نشان در هر گوشه ای به خاک سپردند تا شاید قصابان بر ترس خود غلبه کرده باشند. تا یادی از آنها نباشد. تبهکاران اسلامی سرمایه با تمام وجود در تلاشند هر نشانه ای از زیباترین فرزندان آفتاب و باد را محو سازند. اما یادی که در دلها می مانند بسیار شعله ورتر است.

۳۰ خرداد ۶۰ قرار بود با حبس کردن هزاران هزار، فکر هر گونه آزادیخواهی و برابری طلبی به فراموشی سپرده شود. اما آزادیخواهی تمام زیبایی اش به این است که در اوج وحشت دیکتاتوری جوانه میزند. و به روزش، چشمان حاکمان قسی القلب از وجود آن از حدقه بیرون میزند. روز ۳۰ خرداد ۶۰ روزی است برای فریاد زندانیان سیاسی، برای آزادی زندانیان سیاسی. قرار گذاشته بودند این روز، روزی باشد برای اعلام شکست، اما باور نداشتند تاریخ را شکست نخوردگان می نویسند نه جلادان. انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب شکست نخوردگان است که با وجود دهها هزار کشته و دهها هزار زندانی سیاسی، به مقابله یکی از سفاک ترین حکومتهای معاصر برخاستند. کشتند، تواب ساختند؛ اما آن چیزی که پایدار ماند مقاومت و مبارزه علیه دیکتاتوری بود. مادران دادخواه، همراه با زندانیان سیاسی سمبل های مقاومت و مبارزه هستند.

زندانی سیاسی پدیده ای است که در خفقان و سرکوب شکل میگیرد. "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، شعاری است که میروود با مبارزه بی امان خود زندانیان سیاسی، جنبش دادخواهی، جنبش رهایی زن، جنبش سوسیالیستی کارگران بر متن انقلاب زن زندگی آزادی از صحنه سیاسی ایران حذف شود. مبارزه برای آزادی زندانی سیاسی نشان از این دارد که کار تمام نشده و تا رهایی کامل زندانیان سیاسی باید ادامه یابد. 30 خرداد سال 60 یاد آور هجوم وحشیانه به آزادی و آزادی خواهی بود و مبارزه برای زندانی سیاسی و جلب حمایت جهانی برای زندانیان سیاسی در این روز، این روز را تبدیل به روزی هجوم علیه دیکتاتوری خشن و بی نهایت بی رحم اسلامی کرده است.



۳۰ خرداد ۶۰ کار تمام نشد

یاشار سهندی

شاعر خطاب به دیکتاتور در سال ۵۷، این چنین سرود: "باش تا نفرین - دوزخ از تو چه سازد، / که مادران - سیاه پوش - / داغ داران - زیباترین فرزندان - آفتاب و باد - / هنوز از سجاده ها / سر برنگرفته اند!" مادران سیاه پوش اما سر از "سجاده ها" بر داشته اند. مادر ابوالفضل آدینه زاده بر سر مزار فرزند نفرین می کند. اما به امید گرفتن نفرین نمی ماند. خطاب به خدا می پرسد: کجایی؟ می پرسد: چرا ائمه ساکتند؟ به امید یاری ایشان نمی ماند و از همه انسانهای شریف میخواهد تولد کوچکی برای فرزند دلبندهش در گوشه گوشه جهان بگیرند. غداره بنان ائمه او و دیگر اعضای خانواده را با ضرب و شتم بازداشت میکنند. مادر کیان همه جهان را به محلی برای جشن تولد فرزند ده ساله اش تبدیل میکند. از مادر کیان و دیگر اعضای خانواده او خبری نیست. مادر آرتین رحمانی را احضار کرده اند و او این چنین نوشته است: "به جرم دادخواهی از خون به ناحق ریخته پسر، و برادرم که چندین ماه است که بدون تفهیم اتهام در زندان محبوس کرده اند به دادسرا احضار شدم. در اینجا اعلام می کنم که احضار به دادسرا نه در من دست از جان شسته رعب و وحشی ایجاد می کند و نه خللی در عزم و اراده راسخم در جهت بیان حقیقت. شب ۲۵ آبان ماه شهرستان ایذه. نیک می دانم که این راهی که در آن گام گذاشتم، پایانش جان سپردنم در راه آزادی و عدالت است..." این اوضاع نشان از هر چیزی دارد جز شکست مردمی که با داغی عمیق و جانسوز بر دل، دادخواه عزیزانشان هستند و فریادشان در جهان طنین انداخته است. مادران داغ دار زیباترین فرزندان آفتاب و باد، هیچگاه ساکت نبودند. از مادر بهکیش ها، تا مادر ستار بهشتی، از مادران پارک لاله تا مادران آبان خونین، تا مادران انقلاب زن زندگی آزادی خط مقاومتی بوده در برابر فراموشی و مبارزه علیه دیکتاتوری اسلامی سرمایه. دادخواهی این مادران به نقطه شکست جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

جلادان با اتکا به خدای سال ۶۰، چهار دهه است فقط خون میریزند. خدای سال ۶۰ از ۳۰ خرداد آن سال با ساطور خون آلود بر سر چهار راهها ایستادند، قصابان با ذکر نام ائمه اطهار، می کشتند، تا کار را تمام شده اعلام کرده باشند. اگر کار تمام می شد یک چیزی مهم از تاریخ می لنگید. این را خود حاکمان دیکتاتور می دانند که روز بروز وحشی تر و افسار گسیخته تر بر پیکر جامعه زخم می زنند.

علیه اعدام ها دست به اعتراض بزنید!

مردم!

به اعدام نه بگویید. اعدام کنندگان را به اشکال مختلف مورد انزجار و نفرت خود قرار دهید. جلوی کشتار دولتی را با اعتراض و ابراز نفرت از جنایتکاران حاکم میتوان گرفت.

اعدام قتل عمد دولتی است. با اعدام میخواهند شما مردم را مرعوب کنند. هر وقت که از عقب راندن اعتراضات و مبارزات کارگران و زنان و بازنشستگان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان در میمانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند.

برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

نابود باد حکومت آدمکش اسلامی!



حداقل زمان پس از کارکرد هر ماه و کاهش ساعت کاری از ۱۰ ساعت به هشت ساعت در روز نام میبرد. توصیه این نامه، دادن فرصتی چند روزه به اعتصابیون و در صورت عدم تمکین اخراج اعتصابیون و برخورد قاطع با "محرکین و لیدرهای اصلی" بود. تهدید کردند که ۴۰۰ هزار کارگر جدید جایگزین اعتصابیون میشود. اما بعد در سایت حکومتی ایلنا از شکست طرحشان خبر دادند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در جمعبندی این اعتصابات مینویسد: "تا همین جا دستاوردهای خوبی برایمان داشته است. اولین دستاورد آن متوجه کردن پیمانکاران مفتخور و مقامات مسئول به قدرت اعتصاب ما کارگران و به پایان رسیدن نقطه صبر و تحمل ما در برابر اجحافات و زورگویی هایشان است". این جمعبندی تأکیدی بر تداوم اعتراض در نفت در دل جامعه ای متلاطم است که هر روزه دارد تداوم انقلاب را فریاد میزند.

مندرج در ژورنال شماره ۴۵۰

اعتصاب کارگران نفت و گاز و سند محرمانه حکومت

شهلا دانشفر

سند محرمانه وزارت اطلاعات که از سوی گروه هکری "قیام تا سرنگونی" هک شده و مربوط به سامانه‌های اینترنتی نهاد ریاست جمهوری است، بر گستردگی اعتصابات اردیبهشت ماه امسال کارگران در نفت تأکید دارد.

در این نامه قائم مقام وزیر اطلاعات به تاریخ ۱۴ اردیبهشت خطاب به مخبر معاون رئیسی از آغاز اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی از دوم اردیبهشت در استان بوشهر، روند صعودی آن، پیوستن بیش از ۱۲ هزار کارگر تا دوازدهم اردیبهشت به اعتصاب و ترک محل و پس از آن تداوم اعتراضات خبر میدهد. این مقام امنیتی مینویسد: "با وجود ضرب‌الاجل پنج روزه شورای تامین استان برای بازگشت اعتصابیون به کار، تا هشتم اردیبهشت فقط حدود ۳۰۰ نفر بازگشتند".

این نامه نشانی از وحشت حکومت از اعتصاب قدرتمند کارگران و بطور واقعی اعترافی به شکست است. طبق گزارشات منتشره از سوی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت بیش از ۱۱۰ شرکت وارد اعتصاب شدند و این سلسله اعتصابات به صنایع برق و معادن هم سرایت کرد. این اعتصابات در دل جامعه متلاطم، حکومت را به شدت هراسان کرد و برای مقابله دست به توطئه و بازداشت شماری از فعالین کارگری زد، اما اعتصاب تداوم یافت.

نامه مذکور با اشاره به گسترش دامنه اعتصاب به مناطق مختلف از خواستهای کارگران همچون پرداخت معوقات مزدی، افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها، بهبود شرایط کار و کمپهای استراحت، ۲۰ روز کار، ۱۰ روز استراحت، واریز حقوق در

اعتراف به شکست در برابر گستردگی اعتصاب ما

اگر به کار بازنگردید ۴۰۰۰ نیروی جدید جایگزین تان میکنیم، جنگ تبلیغاتی راه انداختند و گفتند اعتصاب‌ها پایان یافته است و خلاصه آن که هر ترفند و حربه ای که می توانستند بکار بستند تا نگذارند متحد شویم و اعتصاب را به شکست بکشانند.

البته یادآور می شویم که پیشتر هم از طریق عوامل رسانه ای شان در خبرگزاری ایلنا که بازوی نهادهای امنیتی در سرکوب ما بوده و هست به شکست شان اذعان و اعتراف کرده بودند اما اکنون این نامه یک سند رسمی از نهادی امنیتی است که صراحتاً می گوید مهار اعتصاب‌های کارگری ممکن نیست.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در اطلاعیه ۲۵ اردیبهشت ماه اعلام کرد که با تهدید و خرابسازی های دروغین نمیتوانند ما را از پیگیری مطالبات برحقمان بر حذر کنند و توجه جامعه را از اعتصاب ما بردارند.

ما موفق شدیم با هوشیاری و اتحاد خود همه نقشه ها و تهدیدات را خنثی کنیم و اعتصاب را در بیش از ۱۱۰ مرکز کاری تداوم بخشیم و این خود یک موفقیت و پیروزی برای ما است که توانستیم متشکل، هدفمند و با برنامه جلو رویم.

با اتکا به این موفقیت و ضعف مشهود و عیان حکومت در برابر صف متحد ما کارگران، می توانیم با قدرت و همبستگی بیشتر پیگیر خواسته ها و مطالبات پاسخ نگرفته خود باشیم.

زنده باد اتحاد کارگران
زنده باد اعتصاب



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
برگرفته از مدیای اجتماعی

اخیراً نامه ای افشا شده از مکاتبات وزارت اطلاعات با معاون اول دولت در رسانه ها منتشر شده که حاکی از ترس و وحشت از گسترش اعتصابات ما کارگران پروژه ای و حضور هزاران کارگر معترض در مناطق مختلف است که به اعتصاب پیوستند.

در این نامه خیلی محرمانه اعتراف کرده اند که تا تاریخ ۱۲ اردیبهشت بیش از ۱۲ هزار کارگر تنها در منطقه پارس جنوبی وارد اعتصاب شده اند و علیرغم فشار و تعیین ضرب‌الاجل پنج روزه شورای تامین استان بوشهر برای بازگشت کارگران اعتصاب کننده به سر کارشان، تا روز هشتم اردیبهشت فقط حدود ۳۰۰ نفر به محل کار بازگشتند.

بقیه محتوای نامه هم بر گستردگی، روند صعودی و تداوم اعتصاب ما دلالت دارد.

این نامه یک اعتراف بزرگ به شکست سیاستهای سرکوب کل دستگاه حاکمیت است و نشان می دهد همستگی و متحد بودنمان تا چه اندازه می تواند از نیروی قدرت سرکوبگران و ترفندها و فشارهای آنها بیشتر باشد.

دهه هاست محیط کارمان را به پادگان تبدیل کرده اند، کارآموده ترین نیروهای سرکوبگر را تحت عنوان مدیر یا رییس حراست بالای سرمان گماشتند، دسته جات مخبر و جاسوس بین صفوف ما وارد کردند، هزاران شرکت تامین نیروی انسانی با ده ها نوع قرارداد را بر ما مسلط کردند تا بلکه منافع مان را از هم جدا سازند، برای صدها کارگر مطالبه گر و فعالین ما پرونده ها ساختند، صدها نفر از ما را در بلک لیست قرار دادند و بدین ترتیب بیکارمان ساختند، اخیراً و در میانه اعتصابمان هم توسط عوامل شان بازی پیمانکار خوب - پیمانکار بد را براه انداختند، مهلت دادند که

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، اعتراضات معلولان و بحران بی آبی در تهران و کرج



امروز ۲۴ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به فقر، گرانی، و تورم افسار گسیخته و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای اهواز، کرمانشاه و اردبیل تجمع کردند. در همین رابطه بازنشستگان تامین اجتماعی در یکشنبه ۲۱ خرداد نیز در شوش و اهواز تجمع داشتند. در تجمعات اعتراضی این روز بازنشستگان شعار میدادند: "ایجاد رعب و وحشت، کار جدید دولت"، "کو مهار تورم ای دشمنان مردم"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "ما همه هم بسته‌ایم، از وعده‌ها خسته‌ایم"، "معلم زندانی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد". در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل استانداری تجمع داشتند و در اعتراض به پرونده سازی امنیتی برای وکیل خود فرزانه زیلابی شعار میدادند: "زیلابی زیلابی، حمایت میکنیم"، "وکیل با شرافت حمایت میکنیم". برنامه توسعه هفتم دولت و مصوبه مزدی شورای عالی کار همچنین از موضوعات اعتراضات بازنشستگان است. افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه معیشتی که امروز به گفته خود بازنشستگان در بنرهای اعتراضی شان ۲۸ میلیون است، و درمان رایگان دو خواسته مهم بازنشستگان است و در بنرهای اعتراضی آنها قابل مشاهده است.

همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم روز ۲۱ خرداد جمعی از معلولان در پاسخ به فراخوان "کمپین معلولان" در مقابل اداره بهزیستی این شهرها تجمع کردند و خواستار اجرای ماده ۲۷ "قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت" شدند. بنا بر آخرین گزارشات این تجمعات در شهرهای اراک، قم، بروجرد، اردبیل و کرمان برگزار شدند. بر اساس این ماده دولت مکلف شده است که کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم در بودجه سنواتی دولت منظور شود. اما پنج سال است که حکومت حتی از پرداخت آن که خود چندین برابر زیر خط فقر است و اجرای این

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۴ خرداد ۱۴۰۲، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳

خانواده های دادخواه که در طی چهل و اندی سال همواره تحت فشار و سرکوب بوده ایم با هیچ ترفندی به عقب برنمی گردیم و از حق دادخواهی خود فرو گذار نخواهیم کرد. ماه منیر مولایی و خانواده پیر فلک را پاره ی تن خود می دانیم و هرگونه تحت فشار قرار دادن آنها را تعرض به همه خانواده های دادخواه تلقی کرده و متحدانه از آنها حمایت می کنیم. ما نه میبخشیم و نه فراموش میکنیم و تا محاکمه همه آمرین و عاملین کشتارها از پای نخواهیم نشست."

امروز ۲۶ خرداد زادروز مجید رضا رهنورد از جانبختگان انقلاب است. جوانی که در مشهد بدست جانینان اسلامی بدار آویخته شد. جمهوری اسلامی از ترس گردهمایی مردم در زادروز این جوان انقلابی مسیره های منتهی به محل دفن او با استقرار نیرو و جرتقیل مسدود کرد. مجید رهنورد در ۲۱ آذر ۱۴۰۱ در سن ۲۳ سالگی بدست جانینان اسلامی به دار آویخته شد. جوانی که گفت: "گفتم کجا خاکم کنن، دوس ندارم گریه کنن سر مزار، شادی کنن. گفتم قرآن و نماز نخونن شادی کنن آهنگ شاد پخش کنن" با این گفته او تنفر و انزجار خود را از حکومت اسلامی و دستگاه سرکوب مذهب اعلام داشت. شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزاد فراخوان گرامیداشت یاد او را داده بود و در تهران نصب بنر "ایران را بی دار میکنیم" در خیابان نظرها را جلب میکند. و این جامعه ایست که میخواهد بساط اعدام و جنایت را از ایران جمع کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۲، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۳



تظاهرات بزرگ مردم در زاهدان

وقت اتحاد، وقت انقلاب

امروز ۲۶ خرداد مردم در شهر زاهدان در سی و هفتمین جمعه اعتراضی خود به خیابان آمدند و با شعارهای اعتراضی خود علیه حکومت همه مردم را به اتحاد و انقلاب فراخواندند. این تظاهرات علیرغم جو شدید امنیتی با شرکت وسیع مردم برپا شد. مردم شعار میدادند: "ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی"، "کرد و بلوچ و آذری، آزادی، برابری"، "۴۴ سال جنایت ننگ بر این ولایت"، "بسیجی سپاهی، داعش ما شمایی"، "وقت اتحاد، وقت انقلاب"، "با اینکه بی تفنگیم، مثل مرد می جنگیم"، "مرگ بر خامنه ای"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد".

زاهدان قلب تپنده انقلاب است. زاهدان نماد ایستادگی مردمی در برابر سرکوبگریهای حکومت است. از اعتراضات مردم در زاهدان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

نهاد دادخواهان طی بیانیه ای در کانال تلگرامی خود تحت عنوان "خانواده کیان پیرفلک فریاد دادخواهی ما هستند"، حمایت شان را از خانواده کیان پیر اعلام کرده اند. در این بیانیه چنین آمده است: "کیان پیر فلک پسر ۱۰ ساله ای که به ضرب گلوله کشته شد و با فریادهای حق خواهی ماه منیر مولایی، مادر کیان در کنار صدها جانبخته قیام مهسا به سمبل های دادخواهی همه ی ما بدل شده است. برگزاری تولد کیان در سراسر دنیا به زیباترین اشکال توانست صدای دادخواهی ما را به گوش دنیا برساند و ماه منیر و خانواده پیرفلک به سمبل ایستادگی بدل شده اند و همه اینها چون خاری به چشم جانینان کودک کش فرو رفته است. با کشته شدن پوریا مولایی جوان ۲۱ ساله در مراسم تولد کیان بار دیگر به زندگی انسانها خون پاشیدند. ما

تحصن دانشجویان دانشگاه هنر، افزایش فشارها به خانواده کیان پیر فلک و اخباری دیگر

جنایات این حکومت کودک کش بلند کرده و ادامه انقلاب را فریاد زدند. در این روز پسر عمومی ماه منیر مولایی راد، به ضرب گلوله نیروهای جنایتکار اسلامی به قتل رسید. این جنایت به خشم و نفرت مردم بویژه در شهر ایذه بیش از پیش دامن زده و فضا بیش از پیش انفجاری شده است. به دنبال واکنش‌های اعتراضی به قتل پویا مولایی راد، رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی از جمله نورنیوز و خبرگزاری تسنیم تلاش کردند تا پویا را مسئول کشته شدن یک مامور پلیس معرفی کرده و ماه منیر مولایی راد، مادر کیان را "بسترساز" رویدادهای سالروز تولد کیان معرفی کنند. حکومت از ترس به خیابان آمدن دوباره مردم فشار خود را بر روی خانواده کیان پیرفلک شدت داده است. با تمام قدرت باید منیر مولایی راد و این خانواده داغ‌دیده را در چتر حمایتی خود قرار داد.

خبر دیگر امروز ۲۵ خرداد کارگران معدن زغال سنگ هجدک در مقابل شرکت زغال سنگ کرمان در اعتراض به وضعیت نامناسب کاری و معیشتی، اعتصاب و تجمع کردند.

آخرین خبر اینکه روز ۲۴ خرداد اقبال پیشکاری از فعالین کارگری شهر سنندج که از تاریخ ۲۷ اردیبهشت همراه با جمعی دیگر از فعالین کارگری این شهر، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. آزادی وی را به او و به همگان شادباش می‌گوییم. پرونده امنیتی تشکیل شده برای اقبال پیشکاری و همه زندانیان سیاسی باید مسدود گردد. کارگران زندانی، معلمان دربند، بازداشت شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ خرداد ۱۴۰۲، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳

بنا بر گزارشات منتشره، حدود شماری از دانشجویان دانشگاه هنر حوالی ساعت ۵ عصر روز ۲۵ خرداد در پردیس باغ ملی این دانشگاه در اعتراض به تلاش حکومت برای تحمیل حجاب به دختران، دست به تحصن زدند و این حرکت اعتراضی ادامه دارد. طبق خبرها در ساعات اولیه تحصن رئیس حراست این دانشگاه، دانشجویان را به باز کردن درهای دانشگاه به روی مامورین امنیتی تهدید کرد. اما دانشجویان به تحصن خود ادامه دادند. بنا به یک گزارش حدود ساعت ۲:۳۰ باامداد دانشجویان متحصن در دانشگاه هنر توسط حمزه برزویی کوتایی، رئیس حراست دانشگاه مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند و حال چند تن از دانشجویان وخیم گزارش شده است. طبق گزارشات دانشجویان هنوز در دانشگاه هستند و اجازه خروج به دانشجویان داده نمی‌شود. پیش از این هم حراست دانشگاه مانع از رساندن آب و غذا به دانشجویان و استفاده از سرویس‌های بهداشتی شده بود. همچنین حراست تهدید کرده است که به مامورین لباس شخصی اجازه ورود خواهد داد.

حجاب یک سنگر فتح شده مردم است. جمهوری اسلامی تلاش میکند با سرکوبگری این سنگر را باز پس بگیرد. یک کانون داغ اعتراض علیه حجاب و بساط آپارتاید جنسی دانشگاه هاست. از مبارزات این دانشجویان باید وسیعاً حمایت کرد. گزارش دیگر مربوط به فشار سنگین امنیتی بر روی منیر مولایی راد مادر کیان پیرفلک مادر کیان پیرفلک کودک ده ساله ای است که بدست جنایان اسلامی به قتل رسید. طبق خبرها منزل آنها از روز یکشنبه ۲۱ خرداد به وسیله نیروهای امنیتی حکومت در محاصره قرار دارد. همچنین از وضعیت و محل حضور میثم پیرفلک، پدر کیان و پسر کوچک آنها نیز اطلاعی در دست نیست. بنا بر خبرها حتی خیابان‌های مجاور منزل والدین کیان پیرفلک نیز به وسیله نیروهای امنیتی کنترل شده و از هرگونه فیلمبرداری ممانعت می‌شود. روز یکشنبه، (۲۱ خرداد) در زاد روز کیان پیر فلک مردم در داخل و خارج کشور با برپایی جشن تولد وی یادش را گرامی داشتند. مردم همصدا با مادر وی فریاد دادخواهی و صدای اعتراضشان را علیه

بازنشستگان و ادامه یکشنبه های اعتراض

تجمع بازنشستگان شوش، شوستر، کرمانشاه و اهواز

بازنشستگان کشوری نیز برای ساعت ده صبح روز ۳۱ خرداد به تجمع در محل صندوق بازنشستگی کشوری فراخوان به تجمع داده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ خرداد ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳



امروز ۲۸ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهایی چون شوش، شوستر، کرمانشاه و اهواز همچون یکشنبه های گذشته در اعتراض به گرانی و بی‌تامینی و تعرضات معیشتی حکومت همچون برنامه توسعه هفتم و مصوبه مزدی شورای عالی کار و نیز برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع و اعتراض زدند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر که به گفته خود حکومتیان در تهران به ۳۰ میلیون رسیده و درمان رایگان که در همین اعتراضات بر بنرهایشان نقش بسته است، دو خواسته مهم آنهاست. در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "تورم گرانی بالای جان مردم"، "افزایش دستمزد طبق تورم"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "حقوق بازنشسته فقط برای یه هفته"، "نگ ما نگ ما صدواوسیمای ما"، "یخچال بازنشسته خالیتر از گذشته"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "نه وعده، نه بازی، اجرای همسانسازی"، و "بازنشسته بیداره، ازتهدید بیزاره".

در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر روبروی سازمان تامین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. خواسته‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم و به اعتراضات کل جامعه پیوند میدهد. این اعتراضات علیه فقر و فساد و بی‌تامینی، تبعیض‌ها و نابرابریها، سرکوبگریهای حکومت و کل بساط دزد سالار حاکم است. اشاره کنیم که

اعتصاب عمومی در سقز و راسته بازار اردبیل و گزارش تکمیلی تجمعات روز گذشته بازنشستگان مخابرات



امروز همچنین کشاورزان در چناران در استان خراسان در اعتراض به مصوبه ی قطع برق چاه های کشاورزی، که به بی آبی و تعطیلی کشاورزی می انجامد، تجمع کردند. بی آبی یک معضل سراسری است و زمین و کشت و کار و معیشت مردم در استانهای مختلف

بویژه خوزستان، اصفهان، سیستان و بلوچستان را تهدید میکند. یک موضوع اعتراض کشاورزان در این استانها مساله بی آبی و خطر دائمی خشکسالی و نابودی دام در اثر سیاستهای مخرب و چپاولگرانه مافیای حاکم است. آخرین خبر گزارش تکمیلی از اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در روز گذشته ۲۲ خرداد ماه است. همانطور که قبلا گزارش کردیم آنها در روز گذشته همچون دوشنبه های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" و برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع سراسری زدند. بنا بر آخرین گزارشات دامنه ای تجمعات به شانزده شهر از جمله یاسوج، شهر کرد، رشت، اهواز، خرم آباد، بروجرد، اصفهان، شیراز، بجنورد، تبریز، تهران، زنجان، سنندج، مشهد، اراک و زاهدان کشیده شد و بازنشستگان در این روز همچون دوشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان مقابل ساختمانهای شرکت مخابرات در شهرهای خود تجمع کرده و پیگیری مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ خرداد ۱۴۰۲، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

امروز ۲۳ خرداد سقز در اعتصاب عمومی بود. مردم در شهر سقز در اعتراض به عملیات شهرداری در آرامستان "آیچی" در اعتراض به طرح پنهان کردن مزار مهسا امینی (ژینا) این سمبل انقلاب زن زندگی آزادی، در آرامستان آیچی و تخریب آن برای جلوگیری از حضور مردم بر مزار او و دیگر جانباختگان انقلاب دست به اعتصاب عمومی زدند. قبلا نیز در نوزدهم خرداد ماه شماری از خانواده های جانباختگان انقلاب ژینا از جمله مادران دادخواه از سنندج، دهگلان و دیواندره در این آرامستان جمع شدند و با گرامیداشت یاد مهسا و همه جانباختگان انقلاب فریاد دادخواهی خود را بلند کردند. همانطور که قبلا گزارش کرده بودیم، شماری از مادرانی که از شهرهای دیگر به سقز آمده بودند، در راه بازگشت بازداشت شده و بعد طبق گزارشات منتشر شده دستگیر شدگان نیمه های شب بین شهرهای سقز- دیواندره به حال خود رها شدند. اما شش عضو مرد این خانواده ها و همچنین دو راننده کماکان در بازداشتگاه نهادهای حکومتی به سر می برند.

نام ژینا (مهسا امینی) با انقلاب زن زندگی آزادی گره خورده و در قلب همه مردم جای دارد و حکومت منفور اسلامی با هیچ توطئه و تقلایی نمیتواند او را از مردم بگیرد. دادخواهان طی انتشار بیانیه ای در کانال تلگرامی خود به مناسبت روز سی خرداد، یکی از روزهای شاخصی که یادآور جنایات جمهوری اسلامی است و اکنون به عنوان روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی نامگذاری شده، فراخوان به اعتراضات سراسری داده اند.

بنا به یک خبر دیگر امروز مغازه داران "راسته بازار" اردبیل در اعتراض به افزایش چشمگیر مالیات در کنار کساد بازار بدلیل عدم قدرت خرید مردم و بالا بودن اجاره مغازه و به خطر افتادن وضع معیشتی شان اعتصاب و تجمع کردند. فقر و گرانی یک معضل بزرگ اجتماعی است. از جمله سایت "خبر فوری" به نقل از محمد باقری بنایی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نوشت که با توجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر شکل گرفته، در حال حاضر خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان رسیده

سند محرمانه و هشدار معلمان به حاکمیت

شهلا دانشفر

قضایی، پرونده سازیهای هیات تخلفات اداری، عدم اجرای رتبه بندی اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان و اجرای ماده ۳۳ قانون تخلفات اداری برای بازنشستگان از جمله اقدامات نهادهای امنیتی و شورای تامین است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان به حاکمیت هشدار می دهد بی توجهی به خواسته های معلمان و سرکوب ها و پرونده سازی ها در ۲۰ سال گذشته نه تنها موجب عقب نشینی معلمان معترض نشده است بلکه هر بار صفوف بزرگ تر و متحدتری برای پیگیری مطالبات شکل داده است.

اجرای کامل طرح رتبه بندی مشاغل و افزایش سطح حقوقها به بالای خط فقر، درمان و تحصیل رایگان همگانی خواسته های مبارزاتی معلمان بوده است. بعد از سالها وعده و وعید و البته زیر فشار اعتراضات گسترده معلمان طرح ناقص و سرهم بندی شده رتبه بندی تصویب و بر اساس آن چندرغازی بر حقوقها اضافه میشود. که این خود موضوع اعتراض معلمان است. سیاست سرکوبگرانه حکومت مبنی بر مستثنی کردن معلمان معترض از شمولیت این طرح و ادامه سرکوبگریها خشم و اعتراض معلمان را شدت داده است.

پاسخ گستاخیا و سرکوبگریهای حکومت اعتراضات سراسری است. افزایش حقوقها به بالای سبد معیشتی ۳۰ میلیونی و آزادی معلمان زندانی و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی خواسته های فوری معلمان است و باید سراسری حول آنها متحد شد. (مندرج در ژورنال شماره ۴۴۷)

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان سندی محرمانه از استاندار کردستان منتشر کرده که در آن مهدی رمضانی معاون سیاسی امنیتی استاندار کردستان خواستار عدم اجرای طرح رتبه بندی مشاغل برای معلمان معترض شده است.

طبق گزارشات دولت رئیسی برای مقابله با اعتراضات معلمان ۲ گزاره "حذف رتبه بندی" و "تنزل رتبه" را در پیش گرفته است. بر اساس آن در استان کردستان بیش از ۴۸ معلم، در کرمانشاه ۲۰ معلم، در تهران بیش از ۸۰ معلم از لیست رتبه بندی معلمان حذف شده اند.

این سیاست به فضای اعتراض شدت داده است. حکومت از یکسو میکوشد با این خیر به روشنی حاکی از درماندگی و استیصال حکومت در برابر اعتراضات مردمی است. شورای هماهنگی ضمن انتشار این سند و اشاره به اجماعی که صورت گرفته به حاکمیت هشدار داده و مینویسد: "پرونده سازیها در دستگاه

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر



امروز، بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "وزیر بی لیاقت! استعفا استعفا!"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "اجرای آئین نامه حق مسلم ماست"، "سهامداران عمده قانون نمی پذیرند"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

افزایش حقوقها به بالای خط فقر که اکنون از رقم ۳۰ میلیون گذشته است، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای مشترک همه بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ خرداد ۱۴۰۲، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۳

امروز ۲۹ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" و نیز برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمانهای شرکت مخابرات در شهرهای مختلف تجمع کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهایی چون شهرکرد، اراک، مشهد، بندرعباس، هرمزگان، ایلام، ارومیه، رشت، اهواز، برپا شده است. برنامه حکومتی موسوم به برنامه هفتم توسعه نیز که تعرضی به زندگی و معیشت همه کارگران و همه مردم است موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان است. بازنشستگان صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند و نقش مهمی در فعال نگاهداشتن فضای اعتراضی دارند. روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی نیز در اهواز تجمع داشتند. در تجمعات

خواسته های بازنشستگان



- ۱- همسان سازی حقوق بازنشستگان بر اساس ۹۰ درصد شاغل همتراز
- ۲- اجرای قانون خدمات کشوری از جمله:
- ۳- اجرای ماده ۱۲۵ ق خ ک (افزایش سالانه به میزان تورم)
- ۴- اجرای ماده ۸۵ ق خ ک (درمان و بیمه)
- ۵- اصلاح روش محاسبه ی مبلغ عیدی سالانه
- ۶- پرداخت هدایا و پاداش های مناسبی مانند اعیاد و ماه مبارک رمضان و ... همانند کارمندان و بازنشستگان سایر ادارات و نهادها
- ۷- پرداخت هر چه سریعتر مطالبات و معوقات (حق ایثارگری، معوقه، ۶ ماهه، گروه قبل از ۹۶، کمک هزینه ازدواج از سال ۹۵ تا ۹۸)
- ۸- پرداخت معوقات ۱۵٪ بازنشستگان بهداشت و درمان ۹۹

تجمع هفتگی بازنشستگان کشوری

از سراسر ایران: تهران و مراکز

استانها: چهارشنبه 31 خرداد

ساعت 10 صبح



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

صندوق بازنشستگانی کشوری

برگرفته از مدیای اجتماعی

فرهاد_ نوایی کجاست

تنها عکسی که دارد همین عکس سه در چهار است که آن هم بسختی بدست آمده است. پدرش را از دست داده است. قبلا در شهرک صنعتی بدست کارفرماها کاملا استثمار می شد و با وجود اینکه اندازه ی یک کارگر بالغ کار می کرد ولی نصف حقوق کارگر را با ده یا پانزده روز تاخیر بهش پرداخت می کردند. بیمه نداشت و از شدت فقر مانند کارگران همکارش هر روز نمی توانست از خانه برای محل کار غذا ببرد. آخر در شهرک صنعتی با وجود اینکه غالب کارگران معمولا نوجوان یا زیر سی سال هستند و مجبورند حداقل ده ساعت سر پا بایستند و غالب آنان با مشکلات جدی زانو درد روبرو شده اند، نه تنها طبق قانون کار به آنها دست مزد نمی دهند بلکه بیمه هم نمی شوند و غذایشان را نیز باید خودشان از خانه به محل کار بیاورند. فرهاد درس می خواند و در تابستان که تعطیل می شد در شهرک صنعتی کار می کرد.

فرهاد کسی را ندارد که سراغش را بگیرد. تنها امید فرهاد، ما هستیم. صدا و امید فرهاد باشیم!



#زن_ژیان_نازادی

برگرفته از کانال شورای هماهنگی
تشکل های صنفی فرهنگیان



شدند. امسال نیز در ادامه انقلاب با شعار "آزادی زندگی زن" شاهد دستگیری بسیاری از معترضان از جمله کودکان هستیم. این در حالی است که فعالان کارگری و معلمان برای جلوگیری از شرکتشان در اعتراضات و اعتصابات سراسری با فشارهای امنیتی فزاینده ای مواجه شده اند. بسیاری از آنها در حال حاضر زندانی و یا در خطر دستگیری هستند. از همین روز حمایت جهانی از این روز مهم اعتراضی بسیار مهم است. ما اتحادیه های کارگری و سازمان های حقوق بشری را که در کنار انقلاب "آزادی زندگی زن" ایستاده اند و همیشه از حقوق کارگران و مردم ایران دفاع کرده اند مخاطب قرار می دهیم. ما از حمایت شما از کمپین برای آزادی کارگران زندانی و محکومیت سیاست های سرکوبگرانه رژیم اسلامی قدردانی می کنیم. در آستانه روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، تظاهراتی در شهرهای مختلف جهان برگزار می شود. ما از شما می خواهیم که به طور رسمی و علنی از این تظاهرات حمایت کنید. از شما انتظار داریم با نامه ها و بیانیه های حمایتی خود همبستگی تان را از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کنید. در بیانیه های همبستگی خود سرکوبگریهای حکومت اسلامی و اعدامها را محکوم کنید و بر آزادی فوری و بدون قید شرط کارگران زندانی، معلمان زندانی، معلمان در بند، بازداشت شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی تاکید نمایند. (برگرفت از مدیای اجتماعی)

همبستگی شماری از اتحادیه های کارگری با زندانیان سیاسی در ایران

در ادامه حمایت اتحادیه ها، مدیر کل سندیکای خدمات عمومی سوئیس نیز از روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی حمایت کرد

در پاسخ به نامه فری دم ناو (کمپین برای آزادی کارگران زندانی) به ضمیمه نامه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و درخواست حمایت از سی خرداد (بیست ژوئن) روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، کاتارینا پرلیتز مدیر کل سندیکای خدمات عمومی سوئیس نیز حمایت خود را از این کمپین و این روز اعلام کرد و سرکوبگری های حکومت اسلامی را محکوم نمود. این موضوع در نامه فری دم ناو با خواست اخراج جمهوری اسلامی و اعتراض به سرکوبها و اعدامها و با خواست آزادی فوری کارگران زندانی، معلمان در بند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی از اتحادیه های خواسته شده بود و فدراسیون اتحادیه های کارگران در سوئیس، فدراسیون اتحادیه های کارگری از عراق، فدراسیون کار بریتیش کلمبیا، اتحادیه ملی کارمندان عمومی در کانادا از جمله امضا کنندگان آن بودند. متن فارسی و انگلیسی نامه فری دم ناو به اتحادیه ها به مناسبت سی خرداد روز جهانی حمایت از کارگران زندانی ضمیمه است.

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<http://free-them-now.com>

۱۷ ژوئن ۲۰۲۳

ضمیمه: به تمام اتحادیه های کارگری و نهادهای انسان دوست در سراسر جهان بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران است. هزاران زندانی سیاسی از آغاز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در زندان های ایران توسط رژیم اسلامی اعدام

فراخوان تجمع کارگران ارکان ثالث نفت توسط عوامل معلوم الحال و منتصب نمایشی است تکراری و تبلیغاتی

پس از ماهها گفتگو پشت درهای بسته و ملاقات های فرمایشی با نمایندگان مجلس، تصویر سازی پیگیری مطالبات صنفی کارگران تنها سوژه ای است باقی مانده و سرنوشت ساز برای نمایندگان کاندید در انتخابات آتی مجلس!

این فراخوان یک سناریوی تبلیغاتی است با این ترفند که حکومت فرصت مطالبه گری را به کارگر داده و نمایندگان مجلس هم پیگیر خواسته های او هستند.

نسخه ای که البته اعتبارش تا انتخابات مجلس است.

اما ما کارگران فراموش نکرده ایم؛ این همان نمایندگان و عوامل دولت ساخته شان هستند که تبعیض و دسته بندی در صفوف کارگران را با تصویب طرح تبدیل وضعیت، با ویژگی ایثارگری و مانند آن سبب گردیده و یا در خدمت به طبقه سرمایه دار و پیمانکاران مفتخور پیشنهاد لایحه ضد کارگری طرح هفتم توسعه را مطرح نمودند! ما نسبت به اینکه همین نمایندگان، مانع اصلی بر سر راه فوری ترین مطالبه ما یعنی حذف کامل پیمانکاران چپاولگر هستند آگاهیم و با قاطعیت اعلام می کنیم؛ فراخوان تجمع یک هزار نفری، با کوبیدن بر طبل دفاع از حقوق طبقه کارگر، صرفاً اقدامی تبلیغاتی و نمایشی، از قبل برنامه ریزی شده میان نمایندگان مجلس شرکت کننده در دوره آتی انتخابات و عوامل معلوم الحال منتصبشان است که با تن پوش نمایندگی کارگر، قصد سوء استفاده مجدد از او را دارند.

ما کارگران ارکان ثالث، نه تنها در یک چنین نمایش های عوامفریبانه شرکت



نمیکنیم، بلکه با صدای بلند اعلام مینماییم، حذف کامل پیمانکاران و بر چیدن کامل بساط چپاول و زورگویی تنها با اراده و قدرت تعیین کننده طبقه کارگر امکان پذیر بوده، حق خود در تعیین سرنوشتمان را که با شیوه های مختلف اعتراضی و برپایی اعتصابات است با هیچ طرفندی پیوند نخواهیم زد، خواست و اراده ما با حفظ اتحاد و همبستگی تحقق پذیر خواهد بود.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
۲۶ خرداد ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



برگزار شد. اسامی و احکام صادر شده برای این معلمان عبارتند از: ۱- عبدالرزاق امیری / دو سال زندان با پابند، ۲- زهرا اسفندیاری / دو سال زندان با پابند، ۳- ایرج رهنما / پنج سال حبس، ۴- افشین رزمجویی / پنج سال حبس، ۵- مژگان باقری / پنج سال حبس، ۶- غلامرضا غلامی / پنج سال حبس، ۷- محمدعلی زحمتکش پنج سال حبس، ۸- اصغر امیرزادگان / پنج سال حکم تعزیری

طبق همین گزارشات نهادهای امنیتی حکومت از اردیبهشت ۱۴۰۱ با هدف سرکوب کانونها و انجمنهای صنفی معلمان در صددند تا به هر شکل و با هر نوع اتهامات واهی، جلوی اعتراضات معلمان را بگیرند. از جمله در اردیبهشت سال گذشته بیش از ۲۵۰ معلم با اتهامات واهی بازداشت، زندانی، اخراج، تبعید شدند و برای تعداد زیادی از آنان پرونده سازی شد. علیرغم این در این یکساله معلمان تجمعات متعددی داشتند و از جمله در برابر حملات شیمیایی حکومت به مدارس قاطعانه ایستادند و اعلام کردند که خط قرمز آنها دانش آموزان هستند. یک کارزار مهم معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات و برای آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی است.

آخرین خبر مربوط به کارزار کارزار عفو بین الملل آلمان برای توقف اعدامها در ایران است. با گسترش اعدامها در ایران دفتر سازمان عفو بین الملل در آلمان، روز جمعه ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) با راهاندازی کارزاری خطاب به دولت آلمان نوشت که "زندانهای ایران به مکانی برای کشتارهای دسته جمعی با مجوز دولتی تبدیل شده اند". در این کارزار خطاب به دولت آلمان آمده است جمهوری اسلامی در حال حاضر در پی انجام یک سری اعدامهای بی رحمانه است. عفو بین الملل ضمن اشاره به افزایش اعدامها از اوایل سال جاری میلادی تاکید کرده است که تنها در ماه مه به طور متوسط هر روز سه نفر در ایران اعدام شده اند و در پنج ماهه نخست ۲۰۲۳ اعدام محکومان جرایم مربوط به مواد مخدر نسبت به مدت مشابه سال گذشته "سه برابر" شده است. عفو بین الملل از مردم آلمان نیز خواسته است که با پیوستن به این کارزار به وزارت خارجه این کشور فشار بیاورند تا موج اعدامها را به طور علنی محکوم کند و از دولت ایران بخواهد که تمامی اعدامها را متوقف سازد.

سی خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی فرصت مناسبی برای معلمان و بخش های مختلف کارگری و کل جامعه علیه سرکوبگریهای حکومت و برای آزادی زندانیان در بند و توقف اعدامهاست. معلمان زندانی، کارگران در بند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و اعدامها متوقف شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

۲۷ خرداد ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

تشدید سرکوبگریهای حکومت و مقابله مردم

سی خرداد روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی در ایران

روز ۲۷ خرداد شماری از مردم سرابله در استان ایلام در اعتراض به بازداشت ۶ نفر از مردم معترض که چند روز پیش صورت گرفته است مقابل فرمانداری تجمع کردند.

صبح روز ۲۷ خرداد نیروهای لباس شخصی ده نفر از دانشجویان دانشگاه هنر تهران را در مقابل درب دانشگاه با یک ون بدون پلاک بازداشت کردند. دانشجویان این دانشگاه عصر روز ۲۵ خرداد بود که در اعتراض به تلاش حکومت برای تحمیل حجاب به دختران، دست به تحصن زده بودند که با سرکوبگری حکومت روبرو شدند. در اعتراض به این سرکوبگریها دانشجویان دانشگاه سوره طی بیانیه ای حمایت خود را از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام داشتند.

فشارهای امنیتی و احضارها و حکم دادنها بر روی معلمان معترض شدت یافته است. بنا بر خبرها امروز ۲۷ خرداد فاطمه تدریسی معلم زندانی که در ۱۹ اردیبهشت در جریان تجمع اعتراضی معلمان به حملات شیمیایی حکومت به مدارس بازداشت شده بود به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

همچنین بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان امروز ۲۷ خرداد یازده عضو کانون صنفی خوزستان با اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام و عضویت در گروههایی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور است، با وکالت فرزانه زیلابی به محاکمه کشیده شدند. اسامی این افراد عبارتند از: پیروز نامی، سیامک صادقی چهرازی، زهره بختیاری، شهریار شیروانی، عماد رفیعی نژاد، علی کروشانی، کوکب بداعی، معین زرگانی، صادق ناصری، اقبال تامرادی، و بهنیا بهمنی نژاد.

پیروز نامی، با عنوان متهم ردیف اول محاکمه شد. از سوی دیگر بیدادگاه حکومت برای هشت عضو انجمن صنفی فرهنگیان در استان فارس احکام زندان صادر کرد. دادگاه بدوی این معلمان در بیستم خرداد با حضور وکلای آنها در شیراز

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW
JUNE 20, THE GLOBAL DAY OF SUPPORT FOR
POLITICAL PRISONERS IN IRAN

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اسامی برخی از فعالان کارگری زندانی: حسن طرخی، ارش جوهری، رضا شهبازی، حسن سعیدی، نسرین جوادی، عباس تریس، اسد مفتاحی، پیمان سلیمان، تاهید تقوی، داوود رضوی، کیوان مهتدی، مهران ربوف، سیده قیاب، ابوالفضل صفا، فرهاد توایی (کودک کار و دانش آموز ۱۶ ساله)، سمین کور، ژاک پاری (نوم معلم فرانسوی)

اسامی برخی از معلمان زندانی: مجید حبیبی، رسول بداعی، جعفر ابراهیمی، اسماعیل عبودی، مهدی فتعی، انوش علفی، ناهید شیرپیشه، محمود صدیقی پور، غلامرضا اصغری، هاشم خواستار، زینب هرننگ، عزیز قاسم زاده، اصغر امیرزادگان، حسین رمضانپور، فاطمه تدریسی، تاهید فتحعلیان، مریم چلان حسینی، فرزانه نظران پور

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO